

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(مسئله ۱۶): «یوم الشک فی أنه من شعبان أو من رمضان یبنی علی أنه من شعبان، فلا یجب صومه، و إن صام ینویه ندباً أو قضاءً أو غیرهما، ولو بان بعد ذلك أنه من رمضان أجزأ عنه و وجب علیه تجدید النیة أن بان فی اثناء النهار ولو کان بعد الزوال، ولو صامه بنیة أنه من رمضان لم یصح و إن صادف الواقع.»

مسئله ۱۶ که مسئله بسیار مهمی است مربوط به یوم الشک می باشد یعنی روزی که در آن انسان شک می کند که آیا ماه رمضان داخل شده و روزه اش جزء رمضان است یا اینکه آخر شعبان می باشد. صاحب عروة در این مسئله سه مطلب درباره یوم الشک بیان می کند؛ اول اینکه اگر انسان شک کرد که امروز آخر شعبان است یا اول رمضان و شکش هم از راههایی که وجود دارد برطرف نشد؛ یبنی علی أنه من شعبان فلا یجب صومه.

دوم اینکه اگر روزه گرفت باید نیت ندب یا قضاء کند، حالا اگر نیت ندب یا قضاء کرد و بعداً در وسط روز یا آخر روز معلوم شد که رمضان بوده باید نیتش را تجدید کند و به رمضان برگرداند که روزه اش صحیح می باشد ولو کان بعد الزوال، و اگر بعد از آن روز معلوم شد که رمضان بوده أجزأ عنه.

سوم اینکه اگر در یوم الشک به قصد رمضان روزه گرفت صحیح نیست و باید بعداً قضای آن روز را بجا بیاورد هر چند که بعداً معلوم شود که در واقع آن روز رمضان بوده چون از صوم به نیت رمضان در یوم الشک نهی شده و نهی در عبادت موجب فساد آن می شود، این سه مطلبی بود که صاحب عروة در این مسئله بیان کرده بودند.

اما دلیل عمدۀ مطلب اول (یبنی علی أنه من شعبان) استصحاب می باشد چون ماه شعبان وجود داشته و امروز نمی دانیم که آیا اول رمضان است یا آخر شعبان است در نتیجه شعبان را

استصحاب می کنیم. یکی از تنبیهات استصحاب هم در رسائل و هم در کفایه استصحاب زمان و زمانی می باشد، زمانی مثل حرکت و امتثال آن می باشد اما زمان مثل اینکه روزه گرفته ولی نمی داند که مغرب شده که افطار کند یا نه، که در اینجا استصحاب بقاء نهار را می کند و نمی تواند افطار کند، در مانحن فیه ماه شعبان یقیناً وجود داشت و ما شک می کنیم که آیا ماه شعبان تمام شده یا تمام نشده است که ابقاء ماه شعبان را استصحاب می کنیم از این جهت یبنی علی أنه من شعبان. در اینجا هم استصحاب موضوعی و هم استصحاب حکمی جاری است که استصحاب موضوعی همان استصحاب بقاء شعبان می باشد و استصحاب حکمی استصحاب عدم وجوب صوم می باشد به این صورت که شک دارد که آیا فردا رمضان است که صومش واجب باشد یا اینکه فردا شعبان است که صومش واجب نیست، پس استصحاب عدم وجوب صوم هم داریم اما اگر هر کجا دو استصحاب جمع شود یکی حکمی و دیگری موضوعی استصحاب موضوعی بر حکمی مقدم می باشد و در مانحن فیه هم استصحاب بقاء شعبان موضوعی می باشد و استصحاب عدم وجوب صوم حکمی می باشد.

همان طور که عرض کردیم یکی از تنبیهات استصحاب که در کفایه و رسائل آمده استصحاب زمان می باشد، در اینجا اشکالی هست که باید جواب داده شود و آن اشکال این است که استصحاب یعنی ابقاء ما کان یعنی چیزی که قبلاً تحقق داشته را استمرار دهیم و ما کان را ابقاء کنیم منتهی زمان چیزی است که متصرم الوجود می باشد و آنآ فأنآ وجود پیدا می کند و بعد منعدم می شود فلذا شما چطور می خواهید زمان را استصحاب کنید یا اصلاً چه چیزی را می خواهید استصحاب کنید؟ مثلاً می گوئید یک دقیقه قبل نهار بود و حالا هم نهار است خوب یک دقیقه رفت و ساعت هم رفت و دقیقه و ساعت چیزهایی نیستند که بتوان آنها را نگه داشت، یعنی چیزی که متصرم الوجود است مثل آبی که سیلان دارد و هر قطره اش غیر از قطره اول می باشد را نمی توان نگه داشت و مثال معروفی هم وجود دارد که می گوئید از یک رودخانه دو مرتبه نمی توان عبور کرد چون آب آن

خبر بعدی خبر ۳ از باب ۶ است که سندا صحیح می باشد، خبر این است: « وعنه ، عن محمد بن ابی عمیر ، عن حفص بن البختری وغیره ، عن عبدالکریم ابن عمرو قال : قلت لابی عبدالله (ع) إني جعلت علی نفسي أن أصوم حتى يقوم القائم ، فقال صم ولا تصم فی السفر ولا العیدین ولا أيام التشريق ولا اليوم الذی یشک فيه » . شخصی به امام صادق (ع) فرمود که من نذر کرده ام تا قیام قائم (عج) روزه بگیرم تا حضرت زودتر ظهور کنند ، حضرت به این شخص فرمودند که صم ولا تصم فی السفر ولا العیدین ولا أيام التشريق ولا اليوم الذی یشک فيه ، همانطور که در این روایت مشاهده می کنید حضرت از صوم یوم الشک نهی کرده اند .

خبر بعدی خبر ۷ از باب ۶ می باشد که در ص ۱۷ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است ، خبر این است : « وباسناده عن علی بن مهزیار ، عن محمد بن عبد الحمید ، عن محمد بن الفضیل ، عن ابی الحسن الرضا(ع) فی اليوم الذی یشک فيه (الی أن یقال:) لا یعجبني أن یتقدم أحد بصیام یوم » . سند این روایت صحیح است و حضرت در آن فرموده اند که من دوست ندارم که کسی در یوم الشک روزه بگیرد ، شاید فلسفه مطلبی که در این روایت ذکر شده همانطور که علامه فرموده این است که شارع مقدس خواهان این است که ماه رمضان با عظمتی که دارد با سرو صدا بیاید فلذا اگر کسی شک دارد روزه نگیرد و صبر کند وقتی که ثابت شد و اعلام شد همه با هم روزه بگیرند تا تکریم و تعظیم بیشتری از این ماه به عمل آید .

خبر بعدی خبر ۸ از باب ۶ می باشد که در ص ۱۷ واقع شده است ، خبر این است : « محمد بن علی بن الحسین قال : کان امیرالمؤمنین (ع) یقول : لان افطر يوماً من شهر رمضان أحب إلی من أن أصوم يوماً من شعبان أزیده فی شهر رمضان » . یعنی اگر یک روز از ماه رمضان را من بخورم بهتر از این است که در روز شعبان من روزه بگیرم ، این

رودخانه ای که دفعه اول از آن عبور کردید رفت و این آب دفعه دوم آب دیگری است و ما مسامحه می گوئیم از آن رودخانه ای که پارسال عبور کردم امسال هم گذشتم ، پس در چیزی که مترصم الوجود است و آنآ فآناً وجود پیدا می کند و بعد معدوم می شود ابقاء ما کان معنی ندارد ، یعنی از نظر دقت عقلی استصحاب زمان و زمانیات چون مترصم الوجود هستند قابل ابقاء نیستند اما عرف از باب مسامحه می گوید که هنوز باقی است مثلاً روز را تا موقعی که هنوز آفتاب غروب نکرده می گویند باقی است ، فلذا در ما نحن فیه هم از نظر عرفی ماه شعبان را استصحاب می کنیم و بنا را بر بقای آن می گذاریم .

در رابطه با این مسئله روایاتی وجود دارند که به چهار دسته تقسیم می شوند که ما اول فهرست و عنوان آنها را ذکر می کنیم ، دسته اول اخباری هستند که ؛ ما یدل علی النهی عن صوم یوم الشک ، دسته دوم ؛ ما یدل علی الامر بصوم یوم الشک بنیة أنه من شعبان و علی النهی عنه بنیة أنه من رمضان ، دسته سوم ؛ ما یدل علی أنه لو صام یوم الشک بنیة أنه من شعبان أجزاء عن رمضان، و دسته چهارم اخباری هستند که ؛ ما یدل علی عدم الاجزاء لو صام یوم الشک بنیة أنه من رمضان و إن صامه كذلك قضاءه .

اما طایفه اولی ، خبر اول از این طایفه خبر ۲ از باب ۶ از ابواب وجوب الصوم و نیته می باشد که در ص ۱۶ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است ، خبر این است : وعنه : یعنی شیخ طوسی باسناده ، عن محمد بن ابی عمیر ، عن جعفر الازدی : که توثیق نشده ، عن قتیبة الاعشی : که ثقة و عین و از طبقه ۵ می باشد و در واقع ضعف خبر از جعفر اُزدی می باشد ، « قال : قال ابو عبدالله (ع) نهی رسول الله (ص) عن صوم ستة ایام : العیدین و ایام التشريق و اليوم الذی یشک فيه من شهر رمضان » . عیدین دو روز است و ایام تشریق سه روز است و روز ششم هم یوم الشک می باشد که در این خبر پیغمبر (ص) از روزه این شش روز نهی کرده اند .

روایت می خواهد این را بگوید که در روزی که من نمی دانم آخر شعبان است یا اول رمضان اگر بخورم و روزه بگیرم بهتر از آن است که روزه بگیرم یعنی آنقدر روزه نگرفتن در یوم الشک در نظرشان مهم بوده که فرمودند اگر من بخورم و بعداً رمضان در بیاید بهتر از آن است که روزه بگیرم ، بنابراین این روایت دلالت دارد بر نهی اکید از گرفتن روزه در یوم الشک .
این روایاتی که خواندیم جزء طایفه اولی بودند که إن شاء الله بقیه روایات را فردا می خوانیم

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و اله الطاهرین